Balkh International Journal of Social Science

ISSN – P 3136 -9472 E: 3136- 9480
Vol. 1 NO.2 2025
URL: https://bjss.ba.edu.af/index.php/bjss

نظام اداری سامانیان: بازتاب مدیریت در تاریخ اسلام

Samanid Administrative System: A Reflection of Management in Islamic History

Mohammad Dawood Ekrami[1]

Assistant Professor, Department of General History, Faculty of Social Sciences, Balkh University, Mazar-e-Sharif, Balkh, Afghanistan.

Received: 20/2/2026 Accepted: 7/6/2026 Published: 02/8/2026

ABSTRACT

The administrative system of the Samanids is considered one of the most important examples of bureaucracy in the history of Islamic governance, playing a fundamental role in consolidating the political and economic power of this state. The present study aims to analyze the structure of the Samanid bureaucracy and evaluate the functions of its administrative offices using a descriptive-analytical method, relying on both ancient and contemporary historical sources. The findings indicate that the administrative offices of the Samanid state were effective in securing financial resources, maintaining security, and controlling local powers. Variations in historical reports reflect a gradual evolution of the administrative system rather than its disorder. Overall, it can be concluded that the Samanid bureaucratic system, with its combination of centralized authority and delegation of responsibilities, provides an efficient model of administrative management in Islamic history.

[1]. Email ekramidawood@gmail.com
Orcid ID: 0009-0001-3954-3673

Keywords: Administrative system, Diwans (offices), Bureaucracy, Political Stability, Samanids.

چکیده

نظام اداری سامانیان یکی از مهم ترین نمونه های دیوان سالاری در تاریخ دولت اسلامی به شمار می‌رود که نقش اساسی در تثبیت قدرت سیاسی و اقتصادی این دولت ایفا نموده است. تحقیق حاضر با هدف تحلیل ساختار دیوان سامانیان و ارزیابی کارکرد دیوان ها به روش توصیفی- تحلیلی و با تکیه بر آثار تاریخی قدیم و معاصر انجام شده است. یافته ها نشان می دهد که دیوان های اداری دولت سامانی در تامین منابع مالی و امنیت و کنترول قدرت های محلی موثر بوده اند. تفاوت گزارش ها در منابع تاریخی بیانگر تحول تدریجی نظام اداری است نه بی نظمی آن. در مجموع می توان نتیجه گرفت که نظام دیوانی سامانیان با ترکیب تمرکز قدرت و تفویض وظایف، نمونهٔ کارآمد از مدیریت اداری در تاریخ اسلام ارائه کرده است.

کلمات کلیدی: ثبات سیاسی، دیوانها، دیوان سالاری، سامانیان، نظام اداری.

۱.مقدمه

اَلْحَمْدُ لله ربِّ العَالَمِینَ وَالصَّلاَةُ وَالسَّلاَمُ عَلی سَیدِالْمُرْسَلِینَ وَعَلَی اٰلِهِ وَصَحْبِهِ اَجْمَعِینَ.

نظام اداری یکی از ارکان اساس دوام و کارآمدی دولت ها در تاریخ اسلام به شمار می رود. تجربهٔ تاریخی نشان می دهد که میزان ثبات سیاسی، توسعه اقتدار مرکزی و تحقق عدالت اجتماعی، تا حدی زیادی وابسته به کیفیت سازمان اداری و شیوه های مدیریت حکومتی بوده است. در این میان دولت سامانیان به عنوان یکی از حکومت های برجستهٔ قرن های نخستین اسلامی ، نمونه برجسته از سازمان یافته گی اداری و مدیریت نسبتاً کارآمد در جهان اسلام محسوب می‌شود.

با وجود جایگاه سیاسی و فرهنگی سامانیان، بررسی نظام اداری این دولت غالباً به صورت پراکنده و در ذیل مباحث تاریخی کلی صورت گرفته و کمتر به عنوان موضوعی مستقل در چارچوب تاریخ مدیریت اسلامی مورد تحلیل قرار گرفته است این خلا تحقیقی، ضرورت طرح این مسئله را آشکار می‌سازد که نظام نظام اداری سامانیان چه ساختار و کارکردی داشته و چگونه بازتاب دهندهٔ الگوهای مدیریت و ادارهٔ حکومت در تاریخ اسلام بوده است. از این رو پرسش اصلی این تحقیق آن است که سازمان دیوانی سامانیان بر چه مبنای شکل گرفته و نقش نهادهای اداری و کارگزاران حکومتی در تثبیت اقتدار سیاسی این دولت چه بوده است.

اهمیت این تحقیق در آن است که با تمرکز بر نظام اداری سامانیان، امکان تحلیل دقیق تر از چگونگی مدیریت، تقسیم وظایف اداری و شیوه های نظارت در یکی از دوره های مهم تاریخ اسلام فراهم شود. چنین مطالعهٔ می‌تواند به درک عمیق تر از تجربه های عملی مدیریت حکومتی در تمدن اسلامی کمک کرده و جایگاه سامانیان را به عنوان نمونه ای موثر در تحول نظام اداری اسلامی روشن‌تر سازد. اینچنین

تحقیق حاضر بر آن است تا با بررسی ساختار و عملکرد نظام اداری سامانیان سهم این دولت را در تاریخ مدیریت و ادارهٔ حکومت در جهان اسلام تبیین نماید .

در منابع کلاسیک تاریخی تجارب الامم تالیف بن مسکویه از مهم ترین آثار در تحلیل رفتار سیاسی و مدیریتی دولت ها می پردازد به نظام اداری سامانیان توجه ویژه دارد و از عقلانیت اداری و نظام دیوانی به عنوان شرط بقای حکومت یاد می کند. تاریخ یمینی نوشته محمد عتبی نیز هرچند به دورهٔ غزنویان می پردازد اما از آنجا که ساختار اداری غزنویان ادامهٔ مستقیم سامانیان است اطلاعاتی در مورد دیوان ها و منصب وزارت و شیوه ادارهٔ قلمرو به دست می دهد. گردیزی در زین الاخبار اطلاعات مهمی در بارهٔ سازمان حکومتی و نقش کارگزاران محلی سامانیان ارائه می دهد. همچنین نرشخی در تاریخ بخارا که یکی از ارزشمندترین منابع محلی در بارهٔ مرکز قدرت سامانیان است. با پرداختن به ادارهٔ شهر بخارا، نقش امیران، دیوانیان و قضات، تصویری عینی از مدیریت شهری و اقتصادی در دولت سامانی ارائه می کند و نشان می دهد که نظام اداری تا چه اندازه با زندگی روز مرهٔ مردم پیوند داشته است. مورخین معاصر مانند کلیفورد و باسورث تاکید می کنند که نظام اداری آنان نمونه ای از عقلانیت سیاسی در جهان اسلام قرون وسطی بوده و ریچارد فرای در آثار خود دیوان مالی سامانیان را یکی از منظم ترین نهاد های مالی اسلامی معرفی می کند .

در مجموع بررسی پیشینهٔ تحقیق نشان می دهد که نظام اداری سامانیان صرفاً یک ساختار حکومتی نبوده، بلکه بازتابی از اندیشهٔ مدیریتی در تمدن اسلامی است .

با این حال هنوز تحقیقی مستقلی که نظام اداری سامانیان را با رویکرد «تاریخ مدیریت» تحلیل کند اندک است. از این رو تحقیق حاضر می تواند خلا موجود در مطالعات در تاریخ اسلام را تا حدی جبران کند.

ساختار نظام اداری سامانیان

در تاریخ مشترک افغانستان و آسیای میانه (خراسان بزرگ) بدون شک دولت سامانیان جایگاه مهمی دارد . سامانیان در تعامل سیاسی با خلافت عباسی توانستند دولت نیرومندی را در قرنهای سوم و چهارم هجری ایجاد نمایند و بر قلمروی وسیعی از شرق خلافت اسلامی فرمانروایی کنند. سامانیان از نخستین دولت های بودند که توانستند میان دولت خود و نظام خلافت عباسی پیوند نستاً عمیق و طولانی برقرار کنند.

اساس مشروعیت حاکمیت سامانیان بر پایهٔ منشور خلیفه استوار بود.(نرشخی،۱۳٦۲،ص. ۳٦) اما در عمل دولت نیمه مستقل با ساختار سیاسی، اداری و مذهبی را به وجود آورده بودند که باعث شکوفایی فرهنگی و اقتصادی در منطقه گردیدند.

سامانیان همزمان مشروعیت مذهبی خویش را در چارچوب مذهب سنی «حنفی» تثبیت کرده بودند. آنان نه تنها از نظر سیاسی بلکه از نظر اداری و دینی نیز نمونه موفق از دولت های نیمه مستقل،

در قلمرو خلافت اسلامی و تاریخ جهان اسلام بودند و حوزه حکمرانی شان استوارتر و آبادتر از دیگر اقلیم های جهان اسلام شد.

نظام سیاسی سامانیان در محور امارت موروثی استوار بود که امیر به عنوان راس هرم و قدرت در آن نقش کلیدی داشت او فرمانده سپاه ، مدیر سیاست داخلی و خارجی حافظ نظم دینی قلمرو بود. امیر مشروعیت خود را از خلافت عباسی می گرفت اما اقتدار واقعی اش بر مبنای قدرت نظامی ، دیوانی و پشتیبانی قشرهای با نفوذ اشراف و مردم محلی استوار بود. دومین فرد با صلاحیت در ساختار دولت سامانی وزیر بود که به عنوان ستون اصلی ادارۀ کشور را در کنار امیر ایفای نقش می کرد. وزیران از میان اشخاص دانشمند و نخبه انتخاب می شدند. و به عنوان رابط میان امیر و «دیوان ها» عمل می کردند. آنان نه تنها اجرای سیاست های را بر عهده داشتند بلکه در طراحی برنامه ها مالی و نظامی و مذهبی نقش مشورتی مهمی ایفا می کردند .

اموری اداری دولت سامانیان توسط دو دستگاه اداری مدیریت می شد. یکی دربار یا «درگاه»ادارۀ این دستگاه بدست امیری به نام «حاجب سالار بزرگ» بود(فرای،۱۳۷۹،ص. ۱۳۹-۱۲۵). جاجب بزرگ که به منزلۀ وزیر دربار امروزی بود، بر تمامی امور داخلی سرای امیر مستولی بود و در هر زمان بیش از یک نفر در دربار سامانیان مقام حاجبی داشتند. این را می توان از از عنوان «حاجب الحجاب» و «امیرحاجب» که به حاجبان بزرگ می دادند استنباط کرد(گردیزی،۱۳٦۳،ص. ۳٥٤).

و دیگری دیوان که شامل دفاتر و شعب مختلف و متعددی می شدند که هریک عده داری یک امور خاص بودند که مهمترین شان دیوان وزیر یا دیوان صدر یا همان دیوان وزارت بود. که در راس دستگاه های دولتی قرار داشت و روسای همه دیوان های دیگر از آن اطاعت می کردند. به ریاست دیوان وزارت معمولاً به دست خانواده های جیهانی، بلعمی و عتبی بود(غفورف،۱۳۷۹،ص. ۵۳۰). به نظر می رسد نخستین تلاش برای شکل دهی نظام دیوانی سامانیان مرهون تلاش ابوعبدالله محمد بن احمد جیهانی وزیر دانشمند نصر بن احمد بوده که به قول گردیزی «چون او به وزارت نشست، به همه ممالک جهان نامه نوشت و رسمهای همۀ درگاه ها و دیوان ها بخواست تا نسخت کردند و به نزدیک او آوردند، چون به ولایت روم و ترکستان و هندوستان و چین و عراق و شام و مصر و زنج و زابل و کابل و سند وعرب. همۀ رسمهای جهان به نزدیک او آوردند و آن همه نسختها پیش بنهاد و اندران نیک تأمل کرد وهر رسمی که نیکوتر و پسندیده تر بود. از آنجا بر داشته و آنچه ناستوده بود بگذاشت و آن رسمها نیکو بگرفت و فرمود تا همۀ اهل درگاه و دیوان حضرت بخارا آن رسمها را استعمال کردند و به رای و تدبیر جیهانی همه کار مملکت نظام گرفت(گردیزی،۱۳٦۳،ص. ۳۳۰). آنطوریکه نرشخی می آورد، در عهد سلطنت نصر دوم سامانی در حوالی ریگستان بخارا، ده باب بنا برای دیوان ساخته بودند این دیوان ها بر اساس وظایف شان به دیوان زیر تقسیم می شدند:۱. دیوان وزیر۲. دیوان مستوفی.۳. دیوان عمیدالملک.٤. دیوان صاحب شرط۵.دیوان صاحب موید.٦.دیوان شرف۷.دیوان مملکۀ خاص.۸.دیوان محتسب.۹.دیوان اوقاف.۱۰.دیوان قضا(نرشخی،۱۳٦۲،ص. ۳٦). خوارزمی از دیوان های دیگری بنام های «دیوان امور سپاه » و «دیوان آب» و بعضی دیوان های جزئی یاد می کند

که در اثر نرشخی از آنها یاد نشده(خوارزمی،۱۳٤۷،ص. ٦٩-٦٦) و گردیزی از دیوان های ضبط و مظالم که به ترتیب برای رسیدگی به شکایات مردم و نظارت بر دخل و خرج دیوان ها ایجاد شده بودند یاد نموده (گردیزی،۱۳٦۳،ص. ۳۷۲).

به نظر می رسد، این تفاوت نشان دهنده اختلاف دیدگاه این سه مورخ نیست بکله تفاوت در چگونگی معرفی دیوان ها است، نرشخی ساختار کلی ده دیوان را گزارش می کند در حالی که خوارزمی و گردیزی با تفکیک عملکردی و توجه به جزئیات اداری از دیوان های دیگر را نیز یاد می کنند این تفاوت ها، نشان دهندۀ پویایی و پیچیدگی نظام دیوانی سامانیان است .

و فرای از تعلق وظایف یاد می کند و می گوید: «هرکدام از این دیوان ها وظایف خاص خود را داشتند و سه طبقۀ متفکر در این ساختار قابل مشاهده است. این سه طبقه عبارت بودند از ادبا یا فرهنگیان، علمای دینی و دبیران یا کتاب»(فرای،۱۳۷۲،ص. ۱۲۹-۱۲۸). و در جای دیگر از میزان توانایی آنها بر دانش روز یادآوری می گردد و از تسلط دبیران عهده دار کارهای دیوانی بر علوم متداوله آن روزگار مانند زبان دری و عربی، قران، فقه، حدیث، ادبیات و علوم گوناگون دیگر یادآوری می گردد(نعمت اف،۱۳۷۷،ص. ۳۲) .

در دورۀ حکومت سامانی دین مقدس اسلام و علمای دین و جایگاه بلندی در ساختار سیاسی و نظام اجتماعی داشتند. در این دوره حضور علمای دین نه تنها در مناصب دینی، بلکه در منصاب دولتی و سیاسی نیز حضور داشتند. به گفتۀ مقدسی:« سامانیان از دانشمندترین و دانش پرورترین شاهانند واز رسوم دربار سامانیان آن بود که دانشمندان را به زمین بوسی خود روا نمی داشتند ... و هرکس در بخارا فقه و عفاف وی برتر از دیگران بود وی را برمی کشیدند و از او رای می جستند و کارها به قبول او می کردند(مقدسی،۱۳٦۱،ص. ٤۹٦-۳۳۹). در جای دیگردر مورد اهمیت قلمرو سامانیان چنین آورده است:« بیش از همه جا دانشمند دارد، جای نیکوکاری و مرکز دانش و پایگاه اسلام و دژ استوار آن است... در آنجا دانشمندان به حکومت می رسند و فقها در قلمرو سامانیان به پایۀ شاهان می رسند(مقدسی،۱۳٦۱،ص.۲٦۰-۲۷۹). چنانکه امیر اسماعیل سامانی بنیانگذار این سلسله حکومت خویش را به یاری صدر روحانیون محل بخارا استوار ساخت(بارتولد،۱۳٦٦،ص. ٤۹۹). تشکیلات اداری دولت سامانی به طبق نمونۀ خلافت بود و سامانیان نخستین دولتی بودند که تشکیلات اداری را از بغداد گرفته بودند و بومی ساخته بودند(ناجی،۱۳۸٦،ص. ۱٦۰).

پس از ارائه تصویر کلی از ساختار دیوان سامانیان و جایگاه دربار و اینکه چگونه سامانیان از طریق نهاد های مختلف امور مالی، قضایی، نظامی و نظارتی را سامان می دادند و کارآمدی دستگاه اداری خود را تضمین می کردند. اکنون به بررسی تک تک دیوان ها می پردازیم تا نقش هر نهاد در ادارۀ امور مالی، نظامی، قضایی و اداری روشن گردد.

۱. دیوان وزیر

دیوان وزارت از مهمترین دیوان ها در دولت سامانی بود که تمام بخش های سیاسی، اقتصادی و سایر موسسات دولتی را نظارت می کرد. انتصاب وزیران به فرمان پادشاه به این سمت گماشته می شد. در این دورهٔ برای احترام و تکریم به وزیران «شیخ» خطاب می کردند. و این عنوان گاه به صورت «شیخ العمید» و «الشیخ الجلیل» مورد استفاده بود(خواند میر،۱۳۵۵،ص. ۱۰۸؛ ابن فضلان،۱۳۵۲،ص.٦٢). مقام وزارت و سایر مشاغل دولتی مخصوص طبقه خاص نبود بلکه افرادیکه لیاقت و استعداد داشتند می توانستند به کارهای دولتی اشتغال ورزند و با ابراز لیاقت تا مقام وزارت برسند. اگرچه عموماً وزرا از بین خاندان های بزرگ و یا علما و فضلای عالیقدر با شرایط داشتن علم و فرهنگ و دانستن رموز ادب انتخاب می شدند.و معمولاً از خاندان های بزرگ جیهانی، بلعمی و عتبی گمارده می شدند(غفورف،۱۳۷۹،ص. ۵۳۰). چنانچه عوفی اورده است« وازرت منصبی بزرگ است و شغلی خطیر و نظام ملک و فراغ لشکر و رعیت بدان تعلق می باشد و متقلد این شغل مردی پیر تجربه باید»(عوفی،۱۳۷٤،ص. ٦٨٧). دیده می شود که مقام وزارت در دولت سامانی از اهمیت زیادی برخوردار بوده و تمامی دیوان های دیگر تحت امر و نظارت وزیر کار می کرده اند. البته به جز امیران سامانی حکومت های محلی نیز افرادی را به عنوان وزیری منتصب می کرده اند و منصب وزارت در دستگاه این امیران به شیوه دربار سامانیان بوده و همچون وزرای سامانی اکثراً عالم و کاردان بوده اند(ناجی،۱۳۸٦،ص. ۱۹۷)

۲. دیوان خراج(مستوفی)

این دیوان تمام امور مالی یعنی عواید و مخارج کشور را انجام می داد. نام این دیوان در تاریخ بخارا به نام «دیوان مستوفی» و در مفاتیح العلوم خوارزمی بنام «دیوان خراج» یاد شده است نامی که در دولت عباسی نیز رایج بوده است(نرشخی،۱۳٦۲،ص. ۳٦؛ خوارزمی،۱۳٤۷،ص. ٦١). رئیس دیوان خراج را در دوران سامانیان «صاحب دیوان» می گفتند(عتبی،۲۵۳۷،ص.۹۲). که یکی از مشاغل مهمی دولتی آنزمان بعد از دیوان وزارت و سپهسالاری به شمار می رفته است. دیوان خراج مسوولیت جمع آوری عواید دولتی از جمله مالیات ارضی، جزیه، حقوق و عوارض گمرکی، هدایا، مالیات سرانه، مصادرات، غنایم جنگی، مالیات بر ارث و.. را به عهده داشت،کار دیوان خراج بر اساس آیین نامه یی بنام «قانون الخراج» صورت می گرفت(خوارزمی،۱۳٤۷،ص.۵۷). و مستوفی باید هر ماه گزارش مالی خود را که «ختمه» نام داشت و در آن مقدار درآمد ، هزینه و موجودی خزانه ذکر می شد به وزیر تقدیم می کرد(خوارزمی،۱۳٤۷،ص. ۵۷).

بخش عمده عواید دولت، خراج مالیات ارضی بوده که از زمینداران و دهقانان گرفته می شده است(خوارزمی،۱۳٤۷،ص.۵۸) بر علاوه خراج سامانیان خزانه دولت خود را از منابع دیگری نیز تامین می نمودند مانند عوارض راهداری(ضرایب) که از کالاهای تجارتی اخذ می شد(بارتولد ۱۳٦٦،ص.۵۱۳). خمس بخشی دیگری از درآمد دولت سامانیان بود که ظاهراً در آن زمان در ردیف

عواید خزانه محسوب می گردید(ناجی،۱۳۸٦،ص. ۲۱۱). سایر منابع که دولت سامانیان با آن خزانه خود را تمویل می نمودند عبارت بود از غنایم جنگی، مال المصالحه،جزیه، مال الجوالی،حشری، کراع، عشر،طسق ..(خوارزمی،۱۳٤۷،ص.٦۱-٦۲).

۳. دیوان رسائل/انشا(عمیدالملک)

این دیوان به تنظیم و ترتیب همهٔ اسناد مهم دولتی مامور بوده، همچنین روابط دیپلوماتیک را با کشورهای دیگر تنظیم می نمود. بهیقی نقش صاحب دیوان رسائل را تا حد مشاور عالی امیر سامانی می‌داند و نشان می دهد که صاحب دیوان رسائل یکی از سه رکن مهم مملکت در کارهای مهم و تصمیمات تعیین کننده بوده است. بهیقی در مورد مشورت نصر بن احمد سامانی با صاحب دیوان رسائل چنین آورده است«یک روز خلوتی کرد با بلعمی که بزرگتر وزیر وی بود و بوطیب مصعبی صاحب دیوان رسالت و گفت من می دانم که از من می رود، خطایی بزرگ است؛ ولکن با خشم خویش برنیایم... ایشان گفتند: صواب آن است که خداوند ندیمان خردمندتر ایستاند» (بیهقی،۱۳٦۱، ص.۱٦۰). دبیران دیوان رسائل سامانیان از تربیت مخصوصی بر خوردار بودند که طی آن اصول و فنون بلاغت و صناعت دبیری را می آموختند چنانچه غزالی آورده است«دانایان گفته اند که هیچ چیز بزرگوارتر از قلم نیست که همه کارهای گذشته را به وی بازتوان آوردن ... اما دبیران را به جز نبشتن چیز دیگری بیاد دانستن تا خدمت بزرگان را بشایند و حکیمان و ملکوک پیشین گفته اند دبیر ده چیز باید دانست(غزالی،۱۳٦۷،ص. ۱۰۱).

٤. دیوان شرطه

از مهمترین دیوان های نظام اداری سامانیان محسوب می شد و رئیس آنان را صاحب شرط می گفتند. بارتولد به نقل از طبری معتقد است که در دورهٔ سامانیان محتملاً دیوان صاحب شرط با دیوان شرطه عباسیان مطابقت داشته به منزلهٔ نیروهای انتظامی و پلیس امروز بود و وظیفهٔ حفظ نظم و امن شهرها، اجرای احکام جرایم و جنایات را در مرحلهٔ رسیدگی ابتدایی و اجرای کیفرهای شرعی را پس از تحقیقات کامل بر عهده داشت(بارتولد،۱۳٦٦،ص. ٤۹۵).

۵. دیوان صاحب البرید

مسوولیت دیوان انتقال مراسلات دولتی بود، اما کارمندان محلی این دیوان نه تنها وظیفهٔ نامه رسانی را انجام می دادند بلکه راجع به حاکمان و مامورین محلی دولتی وکارهای شان اخبار مخفی را بی کم و کاست به مرکز منتقل می کردند،گویند یکی از ماموران برید نیشابور ماجراه مشاجرهٔ یکی از بزرگان شهر را سردار ترک به بخارا گزارش کرد؛ ولی چون وزیر لحن توهین آمیز دید، او را برکنار نمود(ثعالبی،۱۳۷۲،ص. ۱۰۹). اهمیت این ادارهٔ به حدی بود که در هرمنزل رباطی ساخته و ماموران(اصحاب) برید در آنجا مستقر بودند(ناجی،۱۳۸٦،ص. ۲۲۹). یکی از تفاوت های که دیوان برید با سایر دیوان ها داشت این بود که ماموران محلی آن به حاکمان اطاعت نمی‌ورزیدند و مستقیماً

تابع مرکز بودند. باید متذکر شد که در آن ایام پست تنها برای رفع نیازهای دولت خدمت می نمود و برای شهروندان در دسترس نبود(غفوروف،۱۳۷۹،ص.۵۳۱) .

٦. دیوان سپاه (جیش)

در زمان سامانیان به دلیل جنگ های متعددی که این حکومت با حکومت های رقیب مانند صفاریان و آل بویه و یا سرکوب شورشیان و امرای سرکش انجام می دادند این سلسله را وا می داشت تا سپاه قدرتمندی داشته باشند.

در عصر سامانیان مردانی دانا، شجاع و کاردان را در راس دیوان سپاه انتخاب می کردند. شخص که فرماندهی کل اردو را داشت سپهسالار یا صحابۀ الجیش نام داشت. این شخص تنها قومندانی کل اردو را به عهده داشت بلکه حاکم خراسان نیز بود که مقر آن در شهر نیشابور واقع بود(عبتی،۲۵۳۷،ص.۲٦۹). یکی از شعبات زیر مجموعه دیوان سپاه «دیوان عرض» بود که وظیفه آن تادیه مواجب سپاه و نظارت بر آن بود. گردیزی از محل کار عارض که در آنجا مواجب را پرداخت می کنند به «عرض گاه»تعبیر کرده است (گردیزی،۱۳٦۳، ص.۲٦۲).

در دیوان سپاه اصل ومرجع تمام امور، دفتری بود که «جریده سودا» نام داشت در این جریده عده افراد هر قومندان در سال مشخص می شد. جریده هم به معنی دفتر حساب ارزاق سپاهیان، وهم به معنی لشکر سواره نظام و پیاده نظام بکار رفته است. چنانچه مقداری به مقرری سپاهی افزوده می شد یا کم می شد یا سپاهی می مرد و یا دیگر نیازی به او نبود به علاوه شمار کشتگان اسرا و فراریان نیز در این دفتر وارد می شد(ناجی،۱۳۸٦،ص.۲۵۷).

همه اینها نشان دهنده این است که سامانیان در مورد تادیه به موقع معاشات نظامیان دقت می کردند و حتی ادارۀ مستقلی را برای این کار ایجاد کرده بودند.

۷. دیوان قضا

وظیفۀ این دیوان رسیدگی به دعاوی مردم بود که در واقع به منزله وزارت عدلیه امروزی بوده ریاست این دیوان در مرکز به عهده قاضی القضات بود که از بین عالیترین قضات انتخاب می شد. در دولت سامانیان مذهب فقهی حنفی اکثریت داشتند.با توجه به اینکه دیدگاه فقه حنفی بر ساختار امارت سامانی حاکم بود، عموما قاضیان از علمای حنفی انتخاب می شد. مانند ابولفضل محمد بن محمد بن احمد مروزی سلمی معروف به حاکم جلیل فقیه بزرگ حنفی بود صاحب مختصر کافی سالهای بسیار در بخارا قاضی بود.(نرشخی،۱۳٦۲،ص.٦-۷). در مورد شرایط و وظیفه قاضی در تاریخ بیهقی چنین آمده است« این دیوان بایستی سمبل عدل و رفع مظالم مستمندان و بیچارگان باشد صاحب(رئیس) این دیوان رقعه های رسیده را به اطلاع امیر یا خلیفه می رساند و پس از دستور کشف ماجرا و رفع ظلم در دفاتر ثبت و اجرا می شد»(بیهقی،۱۳٦۸،ص.٤۱۲). البته قاضی فراتر از این می توانست به امور و مصالح عمومی نیز رسیدگی کند. هنگامی که مسجد جامعه بخارا در زمان «امیر

نصر بن احمد بن اسماعیل سامانی فرو ریخت قاضی شهر بازسازی این بنا را به عهده گرفت(نرشخی،۱۳٦۲،ص.٦۹) .

۸. دیوان اشراف

رسیدگی به امور مالی دولت به خصوص دخل و خرج خزانه وظیفهٔ این نهاد بود. نظارت بر عملکرد سایر دیوان ها، به ویژه دیوان استیفی(مالی) بود که شامل تفتیش مالی ایالات، کنترول دخل و خرج و اطمینان از صحت گزارش های مالی بود، تا از فساد و سوء مدیریت جلوگیری کرده و گزارش ها به صورت دقیق به امیر برساند. این دیوان نقش مهمی در حراست از اموال دولت و اجرای عدالت مالی داشت و ماموران آن «مشرف» نامیده می شد که در شمار ارکان دولت بود و چند معاون داشت که او را در ادارهٔ امور یاری می کردند و به هر ولایت نیز نایبی از طرف خود می فرستاد تا کارهای مربوط به دیوان اشراف را در آن ولایت انجام دهد(انوری،۱۳۵۵،ص. ۱۵۰).

۹. دیوان حسبه

این دیوان به بازار، ترازو، اموال تجاری کشاورزی و اصناف نظارت می کرد. همی چنین این دیوان وظیفه داشت تا از فروش اشیای تقلبی و نامرغوب و گران فروشی جلوگیری می کرد. برعلاوه این دیوان به امور اخلاقی، مذهبی نظارت می نمود و مانع مصرف مشروب می شد(غفورف،۱۳۷۹،ص. ۵۳۱). محتسب که با اختیار و قدرت کافی از سوی دولت برای رسیدگی به وضع مردم و شناخت مشکلات و مصالح آنها منصوب می شد، ماموریتی دینی، اجتماعی و اقتصادی را عهده دار بود(ناجی، ۱۳۸٦،ص. ۲٤٤). خواجه نظام الملک طوسی در مورد نیاز به محتسب چنین آورده است«همیشه این کار، یکی از خواص را فرمودند یا خادمی را ... تا هیچ محابا نکردی و خاص و عام از او بترسیدی، همه کارها بر انصاف بودی و قواعد اسلام محکم» (طوسی،۱۳۵۵، ص.٦۰). این تاکید بیانگر حضور و نقش محتسب در اجتماع و تطبیق شرعیت و قانون دارد.

۱۱.دیوان اوقاف

دیوان اوقاف اولین تشکیلات رسمی به امور وقفی در دولت سامانیان بود که وظیفه اش نظارت بر اموال وقف و حسن استفاده از درآمدهای آن، رسیدگی به وقف های دینی و تنظیم وقف نامه ها بود و نشان از اهمیت این نهاد در دولت سامانیان دارد. و رسم نیک وقف کردن اموال منقول و غیر منقول برای استفاده عمومی مانند مساجد، پل ها، مدارس، شفاخانه ها از سوی امیران و دولت مردان سامانی ترویج و تشویق می شد. مثلا « محمد بن جعفر آورده است که این دیهه را امیر اسماعیل سامانی و جمله ضیاعات و عقارات او را بخرید، و آن را وقف کرد(نرشخی،۱۳٦۲،ص. ۲۱). دیده می شود که امیران سامانی خود مشوق وقف زمین و اموال برای امور خیریه و عام المنفعه بوده اند و در این راه پیشقدم شده اند تا سرمشقی باشند به زیر دستان خویش .

۲.یافته‌های تحقیق

تحلیل منابع تاریخی نشان می‌دهد که نظام اداری سامانیان از ساختار نسبتاً منظم و بورکراتیک برخوردار بود که نقش مهمی در در تثبیت قدر سیاسی واقتصادی دولت ایفا کرد. بررسی تطبیقی گزارش های نرشخی(۱۳٦۲)، گردیزی(۱۳٦۳)، خوارزمی(۱۳٤۷) ناجی(۱۳۸٦) و دیگران نشان می دهد که دیوان های مختلف هریک وظایف مشخص و مستقلی داشته اند و در عین حال با یکدیگر مرتبط و متصل بوده اند.

دیوان وزارت که در راس همه دیوان ها قرار داشته و بر همه دیوان نظارت داشته و سایر دیوان ها زیر مجموعه آن به شمار می رفته، دیوان خراج که مسوول جمع آوری مالیات و مدیریت منابع مالی دولت و ثبات اقتصادی کشور به حساب می رفته با تمرکز دقیق بر درآمدها امکان تامین مالی و اجرای سیاست های دولت را فراهم می کرده است .

دیوان سپاه که به اساس منابع چون گردیزی(۱۳٦۳) و خوارزمی(۱۳٤۷) مسوولیت سازماندهی، نظارت و رسیدگی مالی و لوجستیکی اردو را به عهده داشت نشان می دهد که سامانیان توجه ویژه ای به قدرت نظامی و ثبات و امنیت قلمرو خود داشته اند .

دیوان رسائل دیوان قضا و سایر دیوان ها وظایف شامل مدیریت مکاتب اداری، هماهنگی دیوان ها، رسیدگی به امور قضایی، اوقاف و سایر بخش ها نشان دهندۀ پیچیده گی ساختار اداری سامانیان و توجه به نظارت سازمان یافته در امور دولتی است .

دیده می شود که ساختار دیوان سامانیان ترکیبی از تمرکز در راس حکومت و تفویض وظایف به نهادهای محلی بوده که باعث ایجاد ثبات نسبی و کارآمدی نظام اداری شده است. همچنین تفاوت گزارش های منابع تاریخی نشان دهندۀ تحول تدریجی و تطبیق ساختار اداری، منطبق با نیاز های سیاسی و اقتصادی دولت در طول زمان است .

۳.مناقشه

یافته‌های تحقیق نشان می دهد که نظام اداری سامانیان ترکیبی از تمرکز قدرت در راس حکومت و تفویض وظایف به دیوان ها و نهادی محلی بوده است. با این حال منابع تاریخی گزارشهای متفاوتی ارائه می دهند که نیازمند بررسی انتقادی است. نرشخی(۱۳٦۲) بیشتر ساختار شکلی دیوان و محل احداث آن پرداخته است. در حالی که گردیزی (۱۳٦۳) و خوارزمی (۱۳٤۷) و سایرین تصویر کامل تری ارائه می دهند این تفاوت ها بازتاب دیدگاه ها و اولویت های هرمنبع و نیز گستره تحقیقات که انجام داده می شود و تحلیل تطبیقی آن ها، امکان درک دقیق تری از ساختار سامانیان فراهم می کند. مقایسه و بررسی منابع نشان می دهد که تقسیم بندی دیوان های مالی، قضایی، نظامی و اداری در دولت سامانیان نمونه ی کارآمدی از ساختار اداری موثر از تقسیم کار و تخصص در ادارۀ حکومت اسلامی بوده است. دیده می شود که این ساختار باعث شده که دولت سامانی توانایی کنترول منابع مالی، نظارت قضایی و ثبات امنیتی را هم زمان داشته باشد و باعث ثبات نسبی، دولت،

کارآمدی و اجرایی شدن قوانین در طول زمان شده است. در مجموع باید گفت که تحلیل منابع مختلف و توجه به تفاوت دیدگاه ها، برای درک واقعی نظام اداری سامانیان ضروری است و می تواند تحلیل های عمیق تری از نظام اداری، در تاریخ اسلام ارائه کند.

و نیز پیشنهاد می گردد تا نحوه مدیریت بحران‌های سیاسی، نظامی و اقتصادی در دوره سامانیان و ارزیابی ظرفیت‌های ساختار اداری در مواجهه با چالش‌ها. بهره گیری از رویکردهای میان‌رشته‌ای (تاریخ، مدیریت، علوم سیاسی و اقتصاد) برای بازخوانی نظام اداری سامانیان و استخراج مدل‌های نظری مدیریت بومی ، استفاده از منابع که کمتر مورد استفاده قرار گرفته، مانند متون جغرافیایی، ادبی و سفرنامه‌ها، جهت کشف ابعاد ناشناخته‌ای نظام اداری این دوره و نیز نقش مشروعیت دینی و مذهبی در تقویت ساختار اداری و رابطه آن با ثبات سیاسی در حکومت سامانیان می تواند از موضوعات قابل بحث و تحقیق در آینده باشند.

٤.نتیجه گیری

تحقیق حاضر نشان داد که نظام اداری سامانیان از ساختاری نسبتاً منسجم و کارآمد برخوردار بوده که توانسته هم زمان نیازهای مالی، نظام و قضایی دولت را پاسخ دهد. تحلیل دیوان های مختلف، به خصوص دیوان خراج و دیوان سپاه بیانگر آن است که سامانیان با اولویت دادن به تأمین منابع مالی و حفظ قدرت نظامی، پایه های قدرت نظامی و پایه های ثبات سیاسی خود را تقویت کرده اند.

همچنین سامانیان در موجودیت دیوان های نظارتی مانند دیوان قضا و حسبه نقشی مهمی در کنترول قدرت محلی و رسیدگی به شکایات مردمی ایفا می کرده اند و به کاهش نارضایتی اجتماعی کمک کرده است. همچنین دیوان های اداری و مکاتباتی، از جمله دیوان رسائل نشان دهندۀ سطحی از سازمان یافتگی و هماهنگی در مدیریت امور دولتی هستند که فراتر از یک ساختار ساده و ابتدایی اداری هستند.

در مجموع می‌توان نتیجه گرفت که نظام دیوانی سامانیان نمونه‌ای مهم از مدیریت سیاسی و اداری در تاریخ اسلام است که با ترکیب تمرکز قدرت در راس حکومت و تفویض وظایف به نهادهای تخصصی، زمینه ثبات نسبی و کارآمدی دولت را فراهم کرده است. مطالعۀ این نظام اداری، نه تنها به شناخت بهتر از دولت سامانیان کمک می کند. بلکه درک عمیق تری از روند شکل گیری نظام اداری در تاریخ حکومت های اسلامی ارائه می‌دهد.

۵.مآخذ

ابن فضلان ،احمد .(۱۳۵۵). سفرنامۀ بن فضلان . ترجمۀ ابوالفضل طباطبایی . تهران: شرق

انوری ، حسن .(۱۳۵۵). اصطلاحات دیوانی عصرغزنوی و سلجوقی . تهران: طهوری

بارتولد ، ولادیمیر .(۱۳٦٦). ترکستان نامه . ترجمۀ کریم کشاورز .تهران:آگاه

بیهقی ، ابوالفضل محمد بن حسین .(۱۳٦۸). گزیدۀ تاریخ بیهقی . خطیب رهبر . تهران: سعدی

بیهقی ،ابوالحسن .(۱۳٦۱). تاریخ بیهق . به کوشش احمد بهمنیار . تهران: فروغی .

ثعالبی ،ابومنصور(۱۳۷۲). تاریخ غررالسیر الملوک فرس . ج ٤. ترجمه سید محمد روحانی ، مشهد: پوهنتون مشهد .

خوارزمی ، ابوعبدالله بن محمد(۱۳٤۷). مفاتیح العلوم . ترجمه حسین خدیو جم . تهران: بنیاد فرهنگ ایران .

خواندمیر ،غیاث الدین بن همام الدین .(۱۳۵۵). دستورالوزرا . به کوشش سعید نفیسی . تهران: اقبال .

طوسی ، خواجه نظام الملک .(۱۳۵۵). سیرالملوک(سیاست نامه). به کوشش هیوبرت دارک . تهران: علمی و فرهنگی

عتبی ، محمد بن عبدالجبار .(۲۵۳۷). تاریخی یمینی ، به اهتمام دکتر جعفرشعار ،تهران: علمی و فرهنگی

عوفی ،محمد بن محمد .(۱۳۷٤). جوامع الحکایات . به کوشش جعفر شعار . تهران: سخن

غزالی ، محمد(۱۳٦۷). نصیحه الملوک . به تصیحح جلال الدین همایی . تهران: هما

غفوروف ، باباجان(۱۳۷۹). تاجیکان . تهران: عرفان .

فرای ، ریچارد(۱۳۷۹). عصر زرین فرهنگ ایران . ترجمۀ مسعود رجب نیا . تهران: سروش

فرای ، ریچارد .(۱۳۷۲). سامانیان . تاریخ ایران کمبریج . ترجمه حسن انوشه . تهران: امیرکبیر

گردیزی ، ابوسعید .(۱۳٦۳). تاریخ گردیزی . به اهتمام عبدالحی حبیبی . تهران: دنیای کتاب .

مقدسی ، ابوعبدالله .(۱۳٦۱). احسن التقاسیم فی معرفه الاقالیم . ترجمۀ دکتر علی نقی منزوی . تهران: مولفان و مترجمان .

ناجی ، محمد رضا .(۱۳۸٦). فرهنگ و تمدن اسلامی در قلمرو سامانیان . تهران: امیر کبیر .

نرشخی ، ابوبکر .(۱۳٦۲). تاریخ بخارا . ترجمۀ ابونصر البقاوی . تلخیص محمد بن زفر بن عمر . تصحیح و تحشیه مدرس رضوی . کابل: مطبعه دولتی

نعمت اف ، نعمان(۱۳۷۷). دولت سامانیان . تهران:وزارت خارجه .